## جلسه صد و سی و یکم 18/3/1401

فرمایش آخوند را قبول نکردیم یعنی اینکه ال برای تزیین باشد، خلاف ارتکاز است کما اینکه اینکه ال تعریف باشد و همیشه یک معنایی را برساند نیز خلاف ارتکاز است. ال برای تزیین است اما بعضا با ال معنا و مفهومی را به مخاطب تفهیم می‌کنیم. احساس ما این است که استخدام ال برای تفهیم این معناست نه قرائن خارجیه که آخوند ادعا کرده است. گفتیم نمی‌شود انکار کرد که با ال جنس بودن را می‌رسانیم. ال معهودیت را می‌رساند و این نیز قابل انکار نیست. مشکلی ندارد که مشترک لفظی باشد. اما معنای استغراقیت از ال به دست نمی‌آید. اینکه ادباء تخیل کردند که ال داخل بر مفرد به محلی به ال مفید استغراق است احیانا به دلیل استثنا در آیه الا الذین آمنوا، به نظر ما صحیح نیست. استثنا با اطلاق نیز سازگاری دارد. لزومی ندارد که حتما عموم باشد. مثلا می‌گوید یک جماعتی را اکرام کن الا منافقان آنها را. اینکه از ال متوجه شویم که ال را در همه استعمال کرده باشد،‌ درست نیست. لذا معنای جنس و عهد را از ال متوجه می‌شویم و لاباس به ولی در مورد معنای استغراق مشکل داریم. البته انکار نمی‌کنیم که فقط برای جنس است بلکه ادعا می‌کنیم که ال یک معنا و مفهوم اضافی را اخطار می‌کند نه فقط تزیین لفظی باشد و منافاتی ندارد که هم تزیین کلام باشد هم معنای دیگر را برساند.

جمع محلی به ال

آیا جمع محلی به ال مفید عموم است یا نه؟ ادباء گفتند جمع محلی به ال مفید عموم است و عموم را می‌رساند و لازم نیست که عموم اصطلاحی باشد که اشکال شود چرا در بحث مطلق و مقید بحث می‌شود. به این بیان که ال برای تعریف و تعیین است. ال برای این است که بگوید مدخول من معین است و چون در باب جمع معینی نیست الا همه مصادیق، پس جمع محلی به ال بر همه مصادیق دلالت دارد. العلماء می‌گوید این علماء معین است و تعین دارد. آنکه تعین دارد، مشخص نیست کدام است، بلکه مرتبه علیا تعین دارد و جمع محلی به ال تعین دارد پس بر شمول و عموم دلالت دارد.

آخوند

مرحوم آخوند فرموده مضافاً به اینکه ال تعیین را نمی‌رساند و همه جا برای تزیین است. در جمع دو مرتبه متعین است. یک مرتبه اکثر که تعین دارد و یک مرتبه اقل که دو یا سه است که این نیز تعین دارد. وجهی ندارد که العلماء که معنای آن علمای متعین و معلوم است، بر اکثر حمل شود، بلکه سه تا نیز معلوم است. لذا در جمع به واسطه ال، عموم تصحیح نمی‌شود.

پاسخ

به این اشکال آخوند پاسخ دادند که مقصود از تعین، تعین خارجی است. در ذهن مرحوم آخوند تعین ذهنی بوده که اشتباه ایشان همین است. ال برای تعریف و تعیین است یعنی تعیین خارجی، آنکه در باب جمع متعین است همه است اما سه تا، دیگر تعین ندارد کدام سه تا مقصود است. لذا لازمه تعین، استغراق است. پس در مورد اشکال مرحوم آخوند که فرموده کما اینکه مرتبه اکثر متعین است پس مرتبه اقل نیز متعین است، می‌گوییم مرتبه اقل تعین خارجی ندارد و نمی‌شود به او اشاره کرد به خلاف همه، که قابل اشاره است.

همانطور که قبلا گفتیم شهید صدر در بحث عام و خاص این بحث را مفصلا دنبال کرده و صحیح گفته که این بیشتر به عام و خاص مرتبط است ولی چون تابع آخوند بودیم، اینجا بحث کردیم.

استاد

باید بررسی کنیم که در جمع محلی به ال، دالی ‌بر عموم داریم یا نه. در تحلیل جمع محلی به ال، یک ماده دارد مثلا العلماء، ماده‌ای دارد که اسم جنس است و برای من له العلم وضع شده و مهمل است و وجهی ندارد که او عموم را برساند. یک هیئت جمعی نیز دارد و یک اداة ال دارد. همچنین وجهی ندارد که هیئت جمعی بر عموم دلالت کند و خود ادباء گفتند هیئت جمع یا دو یا سه است اما اینکه هیئت جمعی به معنای تمام افراد باشد، صحیح نیست و المومنون به معنای همه نیست. هیئت تثنیه برای دو وضع شده و هیئت جمع برای جمع وضع شده که اقل آن بیشتر از 2 باشد. البته کسی غیر از این را نیز ادعا نکرده است.

در مورد ال نیز ممکن است کسی بگوید وقتی بر عموم داخل می‌شود، دلالت بر عموم و استغراق می‌کند. یا اینکه کسی بگوید ال معنایی دارد که لازمه‌اش عموم است. اما اینکه ال مستقیما عموم و استغراق را بفهماند، محل مناقشه واقع شده و گفتند اگر ال العلماء برای عموم وضع شده باشد. پس اگر گفتند العلماء به عنوان عهد، باید مجاز باشد و این خلاف ارتکاز است. اگر کسی گفت العلماء و مقصودش از این ال، عهد باشد، مثل اینکه قبلا گفته علمای نجف کذا و کذا و العلماء، اشاره به همان باشد مجاز می‌شود و این خلاف ارتکاز است. البته این اشکال وارد نیست چون ال که بر جمع داخل می‌شود، گاهی برای عموم است و گاهی برای عهد است و از باب مشترک لفظی مشکلی ندارد. اینکه ادعا کردند جمع محلی به ال مفید عموم است، در همه جا نمی‌گویند بلکه وقتی می‌گویند که قرینه بر خلاف نباشد.

مهم در جواب از اشکال این است که هیچ دلیلی نیست که از ال العلماء، استغراق را بفهمیم. وضع از تبادر و انسباق ثابت و کشف می‌شود. ما از اکرم العلماء، استغراق را متوجه نمی‌شویم ولو عموم را متوجه شویم. حتی خلاف ارتکاز است. اینکه در اکرم العلماء، از ال استغراق را متوجه شویم، خلاف ارتکاز است. اینکه اینکه در جمع محلی به ال، مفید ال باشد به برکت ال، صحیح نیست.

اما اینکه جمع محلی به ال مفید عموم باشد، اما نه مباشرتا و مطابقة بلکه بالالتزام که قائلین به عموم این بیان را مطرح کردند. به این بیان که ال حرف تعریف است و تعریف یعنی تعیین. در باب جمع، ‌چون لا تعیین الا لمرتبة العلیا و مثلا در العلماء یعنی علمای معین، و این یک فرد بیشتر ندارد و آن مرتبه علیا است نه مراتب دون. مراتب دون هیچ کدام تعین ندارند. پس ال به برکت اینکه مفید تعریف است، بر عموم دلالت دارد.

مرحوم آخوند اشکال کرده که مرتبه اقل نیز معین است و نائینی نیز پاسخ داد که این حرف صحیح نیست.

صدر

شهید صدر این کلام آخوند را توجیه کرده و گفته اشکال آخوند بر این بیان وارد است. چون شما گفتید ال برای تعیین است و تعیین جنسی یک نوع تعیین است و تعیین عهدی یک نوع تعیین است و تعیین افرادی نیز یک نوع تعیین است. اگر گفتید العلماء خیر من عالم واحد، جنس آنها جماعة بهتر از یک نفر است، این خودش تعیین است. کلام آخوند را توجیه کرده که آخوند می‌گوید مراد از تعیین، اقل مرتبه نیست بلکه تعیین چند مصداق دارد. تعیین افرادی که مرتبه عالیه است ولی تعیین جنسی نیز یک نوع تعریف است. این بیان سبب می‌شود که اشکال نائینی وارد نشود. خود ادباء گفتند ال، ال تعریف است. لذا اینکه گفتند ال برای تعریف افرادی است که بگویید یک مصداق بیشتر ندارد، وجهی ندارد.

استاد

اما این توجیه کلام مرحوم آخوند خلاف کلام ایشان است. آخوند گفته همانطور که مرتبه عالیه متعین است مرتبه دانیه نیز متعین است و ایشان اصلا کاری به تعین جنسی نداشته است. مضافاً که تعین جنسی در جمع عرفیت ندارد. تعین جنسی در مفرد است. مثلا می‌گویند جنس این از جنس آن بهتر است و در اینجا مفرد را استخدام می‌کنند. لذا استخدام کردن جمع برای اینکه جنس را بیان کنیم، عرفیت ندارد و تعسف است.

بهتر بود مرحوم آخوند بفرماید ما دلیلی نداریم که ال برای تعیین و تعریف است. بلکه ادعای سابق را تکرار می‌کرد که ال برای تزیین است. اما اگر ال برای تعریف باشد، فرمایش نائینی صحیح است که ال یک مرتبه متعینه است و سایر مراتب، ‌تعین ندارد. ما که دلالت جمع محلی به ال را بر عموم انکار کردیم به همین بیان انکار می‌کنیم که دلیلی نداریم که ال برای تعیین است. ال یک معانی دیگر دارد ولی اینکه غایت ال این باشد که او را از نکره بودن خارج کند، نیست.

اما اگر کسی ادعا کند که ال به ضم هیئت جمعی، برای عموم وضع شدند، همچنان می‌گوییم صحیح نیست. چون برای مرکبات وضع وجود ندارد. این چنین چیزی بعید است که واضع این مرکب را برای عموم وضع کرده باشد. اینها از نظر عقلی محال نیست ولی دلیل نیاز دارد با توجه به اینکه نظیر نیز ندارد.

بعضی

بعضی گفتند مهم نیست که بتوانیم تحلیل کنیم این شمول از کجا آمده، بلکه از قرائن و شواهد کشف کردیم که جمع محلی به ال مفید عموم است. به شاهد استثنا در مثل اکرم العلماء الا الفساق منهم. استثنا دلیل بر عموم مستثنی منه است و این نشان می‌دهد که جمع محلی به ال مفید عموم است.

استاد

اینکه استثنا دلیل بر عموم مستثنی منه است، صحیح است. اما شمول مستثنی منه به دو صورت ممکن است. یکی به وضع دیگری به مقدمات حکمت. اکرم العلماء عموم و شمول دارد لذا می‌گوید الا الفساق منهم اما از باب اینکه العلماء برای عموم وضع شدند یا اینکه اکرم العلماء بدون قرینه، ظهور اطلاقی در همه علماء دارد. به شاهد اینکه ممکن است مستثنی منه هیچ ادات عمومی نداشت مثل اکرم جماعة من العلماء الا الفساق منهم، که ادات عموم ندارد ولی استثنا صحیح است.

پس اینکه جمع محلی به ال برای عموم وضع شده باشد، صحیح نیست و به قول مرحوم آخوند، اگر تخصیص بر آن عارض شود، در مثل اکرم العلماء العدول، از باب تعدد دال و مدلول است. اگر در العلماء، عدول نیاورد، از باب مقدمات حکمت می‌شود و اگر عدول باشد مقدمات می‌رود و دال بر تقیید وارد می‌شود. در هر دو، علماء را در همه استعمال نکردیم. بلکه می‌گوییم دلیل بر وضع، تبادر است و از جمع محلی به ال، عموم را ارتکازا متوجه می‌شویم اما سوال این است که اینکه عموم متوجه می‌شویم به دلیل این است که گفته العلماء یا به دلیل این است که گفتیم العلماء و نگفته الا الفساق؟ این تفاوت بین عموم و اطلاق است. یا اگر گفت اکرم کل العلماء، بعضی گفتند احساس تاکد می‌شود یعنی العلماء کل است و کل تاکید بر کل است. اما به نظر ما احساس تاکید به اینکه دوبار گفته باشد همه علماء. این فرق دارد با اکرم کل عالم اجمعین که قطعا دوبار گفته است.

حاصل الکلام، جمع محلی به ال مفید عموم نیست و برای عموم وضع نشده. چون دلیل و علامت وضع تبادر است و از جمع محلی به ال، از خودش جمع به ضم ال، عموم تبادر نمی‌کند. نه مویدی که بیان شد، صحیح است و نه ادعا، بلکه منبه اینکه تبادر نمی‌کند، عدم تاکد در جایی است که ادات عموم را بر جمع محلی به ال اضافه کنند. اگر اکرم العلماء بر همه دلالت دارد، از باب این است که قید نیاورده است. مضافاً که در تحلیل‌ها نشان دادیم که وجهی ندارد عموم را برساند.

.